



توجه به صنایع با فناوری بالا عامل، رشد اقتصادی ژاپن

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن با بیان اینکه اگرچه شناسایی صنایع مستعد و قابل رشد مشکل است، اما اقتصاددانان و سیاستگذاران ژاپنی در طول شصت سال گذشته برای رشد و توسعه اقتصادی ژاپن به تناسب شرایط زمانی هر دوره بر صنایع سبک، سنگین و صنایع با فناوری بالا هدف‌گذاری و تمرکز کردند.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، پروفسور کازوهیکو اوداکی، استاد دانشگاه نیهون ژاپن و عضو هیات علمی موسسه پژوهشی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن، که به دعوت موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و حمایت سفارت ژاپن در تهران به ایران سفر کرده بود در سخنرانی با عنوان "جایگاه سیاست صنعتی در توسعه اقتصادی ژاپن"، در جمع مدیران و اعضای هیات علمی موسسه، بر جایگزینی واردات و تشویق صادرات برای رشد اقتصادی و توسعه صنعتی کشورها تأکید کرد و گفت: آمریکا و آلمان در قرن نوزدهم استراتژی حمایتی را برای رشد اقتصادیشان انتخاب کردند و ژاپن نیز در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ میلادی با اعمال تعرفه بالا برای واردات از صنعت خودروسازی حمایت کرد.

استاد دانشگاه نیهون ژاپن با اشاره به سیاست صنعتی و تجاری اتخاذ شده توسط ژاپن در دوران بعد از جنگ جهانی دوم گفت: این کشور توجه خاصی به مقیاس بالای تولید داشت چراکه صنایعی که تولید بالا دارند می‌توانند به سوددهی بیشتری نیز دست یابند.

اوداکی رشد و توسعه اقتصادی کشورها را نیازمند کشف استعدادها و نهفته هر کشور و تدوین راهبردهای مناسب از طرف دولت‌ها برای تقویت این استعدادها عنوان کرد و افزود: ژاپن در مسیر رشد و توسعه اقتصادی خود از تمرکز بر صنایع سبک به صنایع سنگین و صنایع با فناوری بالا حرکت کرده است. این نشان می‌دهد که ژاپن پای خود را جای پای کشورهای غربی مثل انگلستان، آلمان و آمریکا گذاشت.

وی عنوان کرد توسعه ژاپن از جهاتی منحصر به فرد بوده است بطوری که در آن زمان اقتصاددانان عنوان می‌کردند که کشورها بر سه دسته اند کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و ژاپن.

معجزه اقتصادی ژاپن از این جهت که توانست سطح معیشت مردم عادی ژاپن را افزایش دهد از جهاتی منحصر به فرد است. حتی امروزه هم سطح نابرابری در ژاپن خیلی پایین و بحرانهای اجتماعی در این کشور محدود است.

وی ادامه داد: پس از رشد اقتصادی ژاپن، کشورهای تایوان، کره، مالزی و چین نیز از الگوی ژاپن استفاده و رشد کردند که این رشد به معجزه شرق آسیا شهرت یافت.



عضو هیات علمی مؤسسه پژوهشی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن با اشاره به وضعیت اقتصادی ژاپن طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۴ میلادی افزود: در این زمان زیر ساختها و تجهیزات اقتصاد ژاپن بر اثر جنگ جهانی دوم نابود شده و سرمایه انسانی آسیب جدی دیده بود. شرکت‌هایی هم ورشکست شده بودند. همینطور در این دوره به دلیل کمبود غذا، سوخت و تجهیزات پزشکی و اشغال ژاپن توسط نیروهای آمریکایی، ژاپن با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو شد.

وی ادامه داد: از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ دولت برای حل مشکلات اقتصادی کنترل خود را بر اقتصاد بیشتر، تجارت بین‌المللی را محدودتر و بیشتر کالاها را سهمیه‌بندی و قیمت‌ها را کنترل کرد. در این دوره ژاپن شبیه به یک کشور کمونیستی بود. چرا که برخی از آمریکایی‌هایی هم که وارد ژاپن شده بودند چنین گرایش‌هایی داشتند.

اوداکی اظهار کرد: مثلاً دولت برای اجرای سیستم سهمیه‌بندی ۶۰۰ هزار نفر را استخدام کرد. اجرای این سیستم سبب شد دولت بر تعیین قیمت و عرضه کالاها مورد نیاز مردم نظارت بیشتری داشته باشد. البته نظام سهمیه‌بندی موجب آثار منفی نظیر بهره‌وری پایین و فساد بالا و شکل‌گیری بازار سیاه و فعالیت‌های زیرزمینی هم شد.

در همین زمان در چارچوب سیاست صنعتی، تلاش شد منابع محدود به بخش‌های اولویت‌دار اختصاص پیدا کند. مثلاً ابتدا بخشی از فولاد موجود برای توسعه معادن تولید ذغال سنگ اختصاص یافت تا تولید ذغال سنگ افزایش پیدا کند و به نوبه خود باعث افزایش تولید فولاد در کشور شود. وی اجرای طرح اولویت‌دهی به برخی صنایع را با توجه به شرایط پس از جنگ تا حدودی موفق دانست و این سیاست‌ها را مبنای سیاست‌های هدفگذاری منتخب در دوره‌های بعد عنوان نمود و افزود: از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۳ میلادی دوره رشد سریع اقتصادی ژاپن فرا رسید که از آن به عنوان دوره معجزه اقتصادی یاد می‌کنند.

استاد دانشگاه نیهون ژاپن گفت: در سال ۱۹۵۵ میلادی سطح تولید ژاپن به سطح تولید قبل از جنگ رسید و طی دهه ۱۹۶۰ میلادی میزان تولید ناخالص داخلی این کشور در طول ۷ سال دو برابر شد. این در حالی بود که دولت هدف‌گذاری کرده بود که در طول ۱۰ سال تولید ناخالص داخلی دو برابر شود.

وی ادامه داد: دوره رشد سریع اقتصادی ژاپن در طول تاریخ اقتصادی جهان غیرقابل پیش‌بینی بود. بنابراین، رشد حیرت‌انگیز موجب شد که به عنوان معجزه ژاپن شناخته و به دنیا معرفی شود.

عضو هیات علمی مؤسسه پژوهشی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن از جمله دلایل رشد اقتصادی ژاپن را افزایش سطح تحصيلات نیروی کار عادی و همچنین توجه جدی به ارتقای بهره‌وری انرژی در محصولات و فرایندهای صنعتی بدلیل افزایش قیمت نفت خام خاورمیانه در آن زمان دانست. در این دوره سرمایه و نیروی کار از بخش‌های ناکارآمد اقتصادی به بخشهای کارآمد منتقل شدند.



اوداکی تصریح کرد: در دوران رشد بالای اقتصادی، ژاپن نظارت اقتصادی بر تجارت و سرمایه گذاری های بلندمدت داشت بطوریکه شرکت های خارجی که تمایل به سرمایه گذاری مشترک در این کشور داشتند با موازین سرمایه گذاری ژاپنی مواجه می شدند که آنها را مجبور می کرد سرمایه گذاری مشترک با ژاپنی ها داشته باشند.

وی اظهار کرد: در سال های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۰ میلادی دولت ژاپن به صنایع خودروسازی، ماشین سازی و مخابراتی توجه بیشتری کرد در نتیجه، تخصیص ارز به اینگونه صنایع برای تامین نهاده های وارداتی افزایش پیدا کرد و منابع مالی از طریق وام در اختیار این صنایع قرار گرفت.

پروفسور اوداکی به مشکلات هدف گذاری صنعتی اشاره کرد و گفت: وقتی شما در شرایط حمایتی از صناعی حمایت می کنید در عمل با انبوهی از صنایع مواجه می شوید که تقاضای حمایت بیشتر و بیشتری دارند. معمولاً در شرایط گلخانه ای گیاهان زیادی رشد می کنند اما در شرایط گلخانه ای نمی توان درختان غول پیکری ایجاد کرد. ما این مشکل را در تجربه تاریخی ژاپن در صنایع پتروشیمی، صنایع هواپیمایی و صنایع دارویی داشته ایم. ما از این صنایع حمایت کردیم اما این سبب رشد بنگاههای ضعیف و کوچکی شد که نیازمند حمایت های بیشتر بودند. نکته من این است که سیاست گزینش صنعت و ارایه حمایت می تواند موفقیت آمیز یا توأم با شکست باشد. اجرای آن نیاز به هوشمندی در بخش دولتی و شرایط مناسب دارد. در غیر این صورت با توسعه صناعی مواجه می شویم که آسیب پذیر و برای همیشه نیازمند حمایت باقی می ماند.

استاد دانشگاه نیهون ژاپن با بیان اینکه در سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵ میلادی نرخ رشد اقتصادی کاهش یافت و از ۱۰ درصد به تدریج به سطح ۵ درصد رسید گفت: علت این امر کمبود زمین و همچنین کاهش شکاف تکنولوژیک بین ژاپن و غرب و به عبارتی دیگر اشباع فناوریانه بود که باعث کاهش رشد ژاپن شد. سایر عوامل از قبیل سیاست صنعتی ژاپن نیز در کاهش رشد صنعتی ژاپن موثر بود. در این دوره سیاست صنعتی به سمت انتخاب صنایع با مزیت رقابتی کمتر سوق پیدا کرد. قبل از این تاریخ سیاست صنعتی معطوف به انتخاب صنایع پیشرو و رقابتی بود اما در این دوره صناعی نظیر منسوجات، تولید کودهای شیمیایی و کشتی سازی نیز انتخاب شدند و مورد حمایت قرار گرفتند. این سیاست صنعتی در واقع صنایع ناکارآمد و کوچک را انتخاب و حمایت کرد. این دقیقاً مصادف با دوره ای بود که کره ای ها تصمیم گرفتند از صنایع بزرگ خودشان حمایت کنند.

در این دوره از شهرها و صنایع مالیات اخذ می شد و همین منابع صرف حمایت از مناطق روستایی می شد. به همین ترتیب سیاست های محیط زیستی نیز در دستور کار قرار گرفت و بخشی از این کاهش رشد را رقم زد.

در این دوران سیاست های محیط زیست محور، توجه به شرکت های کوچک، توجه به مناطق روستایی و سیاست کاهش برنامه تحصیلی دانش آموزان باعث کاهش تدریجی توان رقابتی و بهره وری ژاپنی شد.

وی تصریح کرد: از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ میلادی حباب دارایی ها در اقتصاد ژاپن اتفاق افتاد که برای اقتصاد ژاپن شرایط نامطلوب اقتصادی بوجود آورد. بخشی از این اتفاق به دلیل مقررات زدایی از سیستم بانکی بود که باعث



شد بانک‌های ژاپنی پول زیادی جذب کنند که به افزایش نرخ این منتهی شد. به همین ترتیب قیمت سهام ۴ برابر و قیمت زمین در توکیو ۵ تا ۱۰ برابر شد و دوباره به قیمت سابق بازگشت. این خود یک فاجعه اقتصادی برای ژاپن بود اما ژاپن توانست از این مهلکه جان سالم به در ببرد.

عضو هیات علمی مؤسسه پژوهشی اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن ادامه داد: بعد از ایجاد حباب دارایی‌ها تمایل به اخذ وام، سرمایه‌گذاری و ریسک در اقتصاد ژاپن کمتر و باعث شد که نرخ رشد اقتصاد ژاپن کاهش یابد و به حدود ۱ درصد فعلی برسد که کمتر از نرخ رشد اقتصاد آمریکا و اروپاست.

وی در ادامه سخنان خود به مزیت‌های نسبی در برابر مزیت‌های پویا اشاره کرد و اقتصاد کنترل شده را در مقابل اقتصاد بازار مطرح نمود و گفت: اگر شما همه چیز را به اقتصاد بازار احاله بدهید در این صورت خود را در معرض تقسیم کار جهانی قرار می‌دهید و آنرا بطور کامل می‌پذیرید. در حالی که با سیاست‌های هوشمندانه می‌توانید به استعدادهای نهفته خود پی ببرید و سرنوشت اقتصادی خود را بدست خود تغییر دهید و در تقسیم کار جهانی جایگاهی بهتر برای خودتان دست و پا کنید. ایشان ایجاد مزیت‌های رقابتی پویا در تجارت بین‌الملل و افزایش بهره‌وری صنایع از طریق افزایش تولید و انباشت تجربه ملی را از جمله راهکارهای مهم برای توسعه اقتصادی کشورها دانست. البته کار دولت‌ها در یافتن استعدادهای نهفته ملی کار دشواری است و مستلزم هوشیاری دولت‌هاست. برای اینکه دولت‌ها بتوانند استعدادهای نهفته ملی را کشف کنند خودشان باید از استعداد لازم برخوردار باشند.

نکته دیگری که پروفیسور اوداکی مورد تاکید قرار داد این بود که در استفاده از تجربه کشورهای دیگر باید محتاط بود چرا که برخی از تجربه آنها در شرایط جدید جهانی قابل پی‌گیری نیست و یا در صورت پی‌گیری مفید نخواهد بود.

مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی